

پیام جمهوری ملی

ارکان جبهه ملی ایران

شماره ۳۸ سه شنبه ۱۷ تیر ماه ۱۳۵۹
۴ صفحه ۱۰ ریال

باتنق و توقف و تعطیل قانون اساسی جمهوری اسلامی

طرح پیشنهادی برای دگرگونی نظام آموزشی کشور

امام:
تعرض به
زنان
بی حجاب
حرام است

آیا اسلام اجازه میدهد نام متهمان
سیاسی در ردیف عشر تکده داران
و قاچاقچیان قرار گیرد؟

چگونه میتوان از
باسوادی گذر کرد و
به بیسوادی رسید؟

در صفحه ۲

صفحه ۲

"ممكن است تعرض به
زنها در خیابان و کوچه و بازار
از ناحیه منحرفین و مخالفین
انقلاب باشد. از این جهت
کسی حق تعرض ندارد و این
گونه دخالتها بر مسلمانها
حرام است. و باید پلیس و
کمیتهها از این گونه جریانها
جلوگیری کنند."
نقل از اطلاعات"

نظام جمهوری اسلامی در خطر نابودی است

ادامه کار شورای انقلاب مانع تشکیل قوه مجریه و سبب تعطیل
اجرای قانون اساسی در شش ماه اخیر بوده است
اصول و مقررات مربوط به حقوق ملت و قوه قضائیه کلا

و چونگی انتخابات و طرح
اولیه و بدی قانون اساسی و
بالاخره اصول و مواد قانون-
اساسی مصوب داشت و همه را
در موقع خود جهت اطلاع و
بررسی با اطلاع دولت و ملت
رساند و ضمن نامه سرگشاده
بطور مستقیم به محضر امام-
خمینی ارسال نمود پس از تصویب
قانون اساسی و رسمیت یافتن
آن اصرار و تاکید داشت که
قانون اساسی مصوب باید
بمرحله اجرا درآید و اصول و
مقررات آن مورد احترام و
رعایت قرار گیرد.

تعطیل کرده اند.
قانون اساسی جمهوری-
اسلامی در مجلس خبرگان با
حضور بسیاری از علما و
مجتهدان بتصویب رسید پس
از مراجعه به آراء عمومی و
تایید مردم و امضاء امام خمینی
قدرت قانونی و اجرائی پیدا
کرد.

اساسی برای نظام جمهوری-
اسلامی میشود که تدوین کنندگان
و تصویب کنندگان
آن با اصرار و تاکید بسیار و
در اوضاع و احوال خاص و با
سرعت زیاد و علیرغم توجه
تذکره‌گروهها و قشرهای مختلف
اجتماعی چنین قانونی را تدوین
و تصویب کردند و در این فاصله
که هنوز چند ماه از تصویب
آن نگذشته همین اشخاص به
کرات و آشکارا اصول اساسی
آنها نقض و متوجه و حتی

وازالزامات اساسی برای حفظ
نظام ناشی از چنین قانونی
است.
بعضی از اصول قانون-
اساسی جمهوری اسلامی که
هنوز مرکب تخریب آن خشک
نشده بارها نقض و بعضی دیگر
یکباره متوقف و حتی تعطیل
شده است.
نقض و توقف و حتی
تعطیل قانون اساسی جمهوری
اسلامی از این جهت شگفتی
برمیآورد و موجب خطرات

تعطیل شده است
در شماره ۱۰ تیر ماه
پیام جبهه ملی اعلام داشتیم
که یکی از عوامل عدم استقرار
نظام جمهوری اسلامی عدم
شناخت و یاوردن داشتن مقتضیات
امروزی جامعه از سوی دست-
اندرکاران و صاحبان قدرت
بعد از پیروزی انقلاب است.

اصرار جبهه ملی در
اجرای قانون اساسی جمهوری-
اسلامی و رعایت و احترام به
اصول و مواد آن بدین لحاظ
بود که ما معتقدیم این امر
موجب میشود مرحله اول
انقلاب با موفقیت بپایان برسد
و دوره موقت و برهم ریختگی
بعد از انقلاب به دوران استقرار
نظام جمهوری اسلامی مبدل
گردد.

آیا تعبیر کلمات امام این بود که مفسدان و تباه کنندگان، زنان هستند؟

و سبب معی و سجون
فکری و تغییر در سلوک را
پذیرفته و یا می پذیرند
(بگذریم از عدهای معدود که
تأثیر عملکردهای استعماری
هنوز در آنها ممکن است وجود
داشته باشد) که از این قبیل
در هر طبقه و گروهی هستند
ولی آیا واقعا "تمامی مطلب
گفتار رهبر انقلاب متمرکز بر
مسئله زن بود؟ آنهم بدینگونه
که مورد اجرا قرار گرفت؟
شکفتا که چگونه افراد خودرای
و ناآگاه در بین ملت هوسیار
و شریف ما از مطالب تفسیرها
بقیه در صفحه ۴

آیا دستی در کار نیست تا افرادی را که در به ثمر رساندن انقلاب سخت کوشیدند،
گروه گروه از صف انقلاب کنار بزنند؟
امام نیز در روز زن و مواقع
دیگر به ملت گوشزد شده
است. شک نیست که اکثریت
بزدلیک به اتفاق بانوان ایرانی
کارمندان زن که مشغول
خدمت به دولت جمهوری
اسلامی ایران هستند منطبق
انقلاب را درک میکنند و این
انقلاب را که باید انقلابی
ظاهری و باطنی بطرز توأم
باشد و مفهوم دوستی و اسلام
خواهی را پیاده کند، نقوی

امام در جمع خانواده‌های
شهادت انقلاب و گروهی از
مربیان پاسداران و در جای
دیگر با بیش از انقلابی خاصی
مطالبی ایراد کردند. این
بیانات انقلابی و کوبنده که
متعاقب انقلاب بزرگ ما از رهبر
شنیده شد درخور توجه هر
ایرانی پاک نباید قرار گرفت،
حاوی مطالب عمده زیر بود:
حمله شدید رهبر انقلاب
به روشهای طاغوتی حاکم بر
ادارات و مناسبات موجود بآتی
مانده از نظام منحط شاهنشاهی
امر به طاغوت زدائی و ایجاد
مناسبات سالم اداری و روابط
و روشهای منطبق با منطق
انقلاب و رهنمودهایی در مورد
تزکیه و سالم سازی محیط تغییر
نفسانیات و سلوک افراد در
ادارات و احساس مسئولیت
شدید در انجام وظایف.
هرگاه در این مسیر رهبر
انقلاب ضمن تاکید بر انقلاب
اداری و تحول بنیادی
در نحوه روابط و روش
انجام کار توجهی نیز بر پوشش
ظاهری داشته اند، چه شد
که از تمامی این مطالب که در
ادارات باید موجب تحول
اساسی در خصوصیات معنوی
و منشها گردید و در زبان و مردمان
تحول فکری و درونی ایجاد
کرده و موجب درک مسئولیتها
شود و سلوک اسلامی راسخین را
در بی داشته باشد، لیه تیز
نوعی حمله به سر زن ایرانی
فرود آمد نیروهای خاصی آماده
برای اجرای این امر خطیر
گردید.
بیاناتی که امام ادا کردند
در هر فرد مسلمان ایرانی که
به انقلاب و به مکتب اسلام
راستین دل و امید بسته است
نوید بخش حرکتی تازه از جانب
مسئولان بود، ولی چه شد که
پس از این سخنان که رهنمودی
در جهت سازندگی بود و باید
موجب رحمت میشد صرفا،
مسئله زن، طرز پوشش و
حجاب شدت مطرح گردید و

استقرار واقعی نظم
جمهوری اسلامی بر طبق اصول
قانونی و به نحو صحیح
امکان نهایم و موفقیت ضد-
انقلاب را به حداقل تقلیل
میدهد و خطرات بازگشت
نظام شاهنشاهی و نظایر آنرا
ناپود میکند.
ولی با نهایت تأسف
کسانیکه مراکز حکومتی را در
دوران بعد از انقلاب اشغال
کردند تا آنکه خود عامل تدوین
و تصویب قانون اساسی جمهوری
بقیه در صفحه ۴

پیش درآمد خفقان!

تهدید جبهه ملی، سوء قصد
علیه آزادی است

پایان این راه پر تگاه سقوط و بدنامی است
..... آنچه در ۱۰ روز اخیر بر این کشور گذشت
نمایشگرین واقعیت است که آینده نزدیک آستان حوادث
شگرفی است و بر ساکنان این مرز و بوم است که با هوشیاری
و مراقبت دائم التزاید در مسیر وقایع قرار گیرند و در برابر
این تجربه بزرگ تاریخی که در این سرزمین در جریان است
شایستگی و درایت خود را یکبار دیگر بیازمایند و بتاریخ بسپارند
..... برده برداری از این توطئه ضد ملی در اجرای
نوار آیت که امروز در باور عموم نه یک گپ دوستانه است!
و نه یک اندیشه و برداشت خصوصی از مسائل! بلکه توطئه است
عمیق و مسلم ضد جمهوری اسلامی، هدفهای انقلاب و ملیت
ایرانی، و مواد این طرح سیاه یکی بعد از دیگری در شرف
انجام و اجرا است.
..... بیانات جامع و صریح امام خمینی در بازخواست
و ملامت، کارگردانان و مسئولان اداره کشور در ۱۶ ماه اخیر
که در پاره‌های از قسمت‌های خود بگونه ادعای نامه علیه مصادر
امور ظاهر شده است و کثرت و شدت نارسانیه‌ها موجب عدم
رضایت و خشم ایشان گردیده است.
..... موضع گیری سیاسی و اظهارات آقای وزیر امور
خارج در زمینه‌های گوناگون که بزعم بسیاری از مفسران و
باریک بینان امور سیاسی نشانه‌های ورزش بادهای گرم ماورای
بحار میتواند باشد!
..... حملات صریح و بی‌پرده فقیه عالیقدر آیت...
منتظری در نماز جمعه شهر مقدس قم بوزارت خارجه و سفارت-
خانه‌های ایران در خارج که مقارن و با بی آمد آن حمله و
اشغال پاره از این سفارتخانه‌ها بوده است.
..... مجلسی که فارغ از رسالت قانونی خویش و
بی خیال از وظائف اساسی یکی از مهمترین نهادهای انقلابی
ببازیهای داخلی خود سرگرم اعتبارنامه هاست و مواد قانون
اساسی جمهوری اسلامی، یکی بعد از دیگری در چند قدمی
آن بقتل میرسد که افلا" در مورد ماده ناظر بر انتخاب
شورای عالی قضائی و اصل ۴۹ مربوط به قانون انتخابات و
اختیارات وزارت کشور در مورد ابطال نتایج انتخابات
توسرکان از فرط وضوح جای کمترین تردید و مباحثه حقوقی
و قضائی را باقی نمگذارد.
..... درگیری موج طاغوت زدائی که امید می‌رود که
در حدود و سطح حذف و تغییر نشانه‌ها و علائم و القاب و
نصایب رژیم گذشته باقی نماند و بمق مسئله می‌پردازد و
نظام طاغوتی را با تغییر در اساس روابط اجتماعی و اقتصادی
جامعه به خاک بسپارد و حکومت قانون و حاکمیت اصول محترم
را جانشین خودسری و خودکامگی مراکز متعدد مشکوک قدرت
کند. فعلا فقط امید.....
..... در کنار این ملاحظات یاد شده و حوادث قابل
تامل و تفسیر است که راه پیمائی روز جمعه ۱۳/۴ سال جاری
بقیه در صفحه ۴

قسمت پنجم

افزایش تولید و عرضه بیشتر کالاها، تنها راه مبارزه با گرانفروشی و احتکار

خاص روز دولت و دادن وام
برای وارد کردن کارخانه در
طی دو سال ظرفیت تولید
کارخانه‌های داخلی به یک
میلیارد رسید که با وجود
افزایش مصرف تاحد هفتصد
میلیون، قادر بر آن بودیم تا
به صدور پارچه نیز بپردازیم.
ولی یکباره با بازگذاشتن
دروازه‌ها و وارد ساختن پارچه
از یکسو و شروع بورس بازی
بر روی زمین از سوی دیگر،
میران تولید کارخانه‌های داخلی
تا حد ۳۵۰ میلیون متراکش
یافت و کارخانه‌ها تنها باسی
درصد ظرفیت بکار تولید
پرداختند و بقیه نیاز داخلی
از محل واردات تامین میگشت.
امروز باید کوشش کرد تا با
اختصاص یک سیاست معقول
چرخهای این واحدهای تولیدی
به گردش درآید تا هم ارز
ملکت به هدر نرود و هم آنکه
تولید داخلی بتواند کشور را
به خودکفائی برساند و در
نتیجه با عرضه متناسب جنس
و رفع کمبودها، تا حد قابل
توجهی از تورم کاسته شود.
اما اینکه این امر باید
تمامی بدست دولت صورت
پذیرد یا به بخش خصوصی
سپرده شود یا هر دو، مسئله
است که در این زمینه با هم
بازهم صحبت خواهیم داشت.
قاسم لباسچی

گرانی و گرانفروشی

در چند شماره‌های پیش روز-
نامه پیام جبهه ملی مطالبی در
باره گرانی اجناس به چاپ
رسیده است که با توجه به
رویه آن روزنامه که همیشه بعد
از انتقادهای ارسالی خود،
پیشنهادهای سازنده ارائه
میدهد، مردم در انتظار آن
هستند که مشکل را در جمع
دریابند، در باره گرانی
اجناس، مهم اینست که علت
جستجو شود نه آنکه همه
تقصیرها به گردن فروشنده‌گان
کالا انداخته شود، اگر جنسی
در کشور به اندازه کافی تولید
نشود و یا وارد نشود، نمیتوان
توقع داشت که فروشنده آنرا
ارزان بفروشد، شک نیست در
شرایط موجود با تورم سرسام
آوری که حاکم بر اقتصاد ملکت
گردیده، به شدت بر تمامی
مردم، بخصوص گروه کم درآمد
و حقوق بگیر و مزد بگیر کشور
فشار وارد میشود و زندگی
مردم سخت و طاقت فرسا گشته
است.
در حال حاضر باید به
فکر آن بود تا تولید را افزایش
داد و در اجراء این امر
کارگران سهمی به سزا دارند،
بنابراین زمانی که صحبت از
گرانی جنس است باید به
مسئله کم کاری تولید کنندگان
جنس نیز توجه داشت. من
قصد ندارم گرانفروشی را

توجه کرده باشم ولی میخواهم
بگویم زمانیکه ماده اولیه نیست،
یا کم است و گران، زمانیکه
دستمزد بالا میرود و کارگاهی
صورت نمیدرید و در نتیجه
جنس بقدر کمیت و با قیمت
معقول تولید نمیشود، نمیتوان
انتظار داشت، که جنس ارزان
به دست مردم برسد و چاره
آن نیز خلاقیت و فن و فشار آوردن
بر فروشنده نیست. زیرا که
او یکی از عوامل به شمار
میرود نه تمامی و اصل قضیه،
در زمان محمدرضا برای
مبارزه با تورم آمدند اطاق
اصناف درست کردند و در
سخنرانیهایش گفت که دنیای
پیشرفته قادر به تنزل تورم
نشده است ولی ما توفیق آنرا
یافتیم. اما در عمل دیدیم
که بعد از مدت کوتاهی جنس
چند برابر شد و قیمت ها
سرسام آور بالا رفت.
با زور و بدون برنامه
نمیتوان مشکل اقتصادی ملکت
و گرانی را حل کرد. زمانیکه
دولت قیمت محصولات تولیدی
خود را افزایش میدهد،
نمیتواند از بخش خصوصی
بخواهد تا قیمت‌ها را پایین
بیاورد. مادر حال حاضر فاند
یک سیستم اقتصادی روشن و
مشخص هستیم و از اینرو به
دولت نقش کامل خود را ایفاء
میکند و نه بخش خصوصی موقع

مستغنی آن جناب تکفیر بر سر
بانوانی که در راه انقلاب گام
زده، دل سوزانده و چشم
امید به افق روشن فردای
جمهوری اسلامی ایران دوخته
بودند بلند شد. آیا تعبیر
کلمات امام این بود که مفسدان
و تباه کنندگان، زنان هستند؟
همین زمانی که در به ثمر
رساندن انقلاب نقش موثر و
جسم گیرشان بر هیچ کس پوشیده
نیست و حتی این نقش ارزبان

نکته‌ها

معجزه!

پرسیدم با وجود این‌همه ساواکی و شاهی و ضدانقلابی که دکتر عارفی گوش آنها را گرفت و بیرون انداخت چطور این دانشگاه مرکز اصلی انقلاب شد؟

عام

فرق بین اشرف پهلوی و ماده قانون

دوباره با دیدن بولدوزر ماده صد یاد اشرف افتادم (گرچه ایندفعه با دفعه قبل فرق داشت) آیا از این دو ماده پرزورتر و مخرب‌تر در جهان سراغ دارید؟

جہات اربعہ

معلم پرتجربهای در سراسر علم الاجتماع به شاگردانش میگفت: اگر طوری بایستیم که رویمان به قشرون و شمشان به قانون باشد، سمت راستان پست‌ها و مشاغل و سمت چپان سایر امکانات و امتیازات مملکتی قرار خواهند گرفت.

نظم بی نظم‌ها

شخص وطن پرستی میگفت دلم برای مملکت شور میزند، همه را جدام هرج و مرج و بی‌نظمی فرا گرفته، بی‌نظمی در اداره مملکت، بی‌نظمی در اقتصاد کشور، بی‌نظمی در ضوابط قضائی، بی‌نظمی در روابط آدمها و الی‌آخر...

پاکسازی

اخیراً "عنوان شد یکی از مهندسان دانشکده شیمی دانشگاه علوم و فنون موقت به ساختن مواد شیمیایی شده که میتوان به آن گلیه شاعرهای نوشته شده روی دیوارها را پاکسازی نمود.

ما آرزو داریم این مهندس مبتکر موفق شود داروئی بسازد تا با آن ایران عزیزمان از شرناپاکان و بی‌وطنان ضد ملت پاکسازی شده و خلاصی یابد.

طرح پیشنهادی برای دگرگونی نظام آموزشی کشور

قاضی مقدم دانشیار دانشگاه تهران

اینکه با مطرح شدن انقلاب فرهنگی تغییر نظام آموزشی هم مورد توجه قرار گرفته است. اگر راه حل فنی هم مورد نظر باشد طرح زیر که براساس تقلیل یک ساله برنامه دبیرستانی و ایجاد میان دوره دوساله (بین دبیرستان و دانشگاه) و تغییر نظام مسابقه‌ورودی دانشگاهها تهیه شده است می‌تواند راه حل مناسبی برای بعضی از مشکلات موجود باشد که خود طی سالیهای آمویش در ارتباط با مسائل آموزش دبیرستانی و دانشگاهی تجربه نموده‌است.

قدیمی و با طرح سئوالات غیر تستی و طی امتحان چندروزه در دانشگاهها و مدارس عالی دانشجویان مورد نیاز را بپذیریم و به هر دانشکده و یا دانشگاه اختیار انتخاب دانشجویان را بدهیم. ۵- شاگردانی که از این پس به خارج از کشور اعزام می‌شوند از بین این دسته انتخاب می‌شوند، یعنی کسانی اعزام می‌شوند که این دوره دوساله را دیده‌اند. تذکر: بمناسبت آنکه این میان دوره قسمتی از دوره عمومی دانشگاه را نیز در بر می‌گیرد دارندگان دیپلم متوسطه روش قدیم می‌بایست برای ورود دانشگاه این دوره را طی نمایند.

تخصیلات دوساله میان دوره‌ای از تلف شدن وقت دانش آموزان جلوگیری می‌کند و آنها را برای ورود به دانشگاه آماده می‌سازد

۱- اگر یکسال از تحصیلات دبیرستانی کاسته شود، دانش آموز دبیرستانی یکسال زودتر به‌خاک دیپلم پایان تحصیلات متوسطه نایل می‌شود و چنانچه میانگین نمرات دبیرستانی دانش آموز در حدی نباشد که امکان تحصیل دانشگاهی داشته باشد با وقوف به این امر در بازار کار جذب می‌گردد. ۲- براساس میانگین دبیرستانی و یا با روش متداول سالیهای آخیری با توجه به نمرات دبیرستان و یا مسابقه ورودی (از معلومات عمومی دانش آموزان) "فقط" در مراکز استان در مدرسه میان دوره‌ای پذیرفته می‌شوند تعداد کسانی که هر ساله در این مدارس جای می‌گیرند در حدود دو برابر تعدادی خواهد بود که در این مدارس موجود بود به جذب آنها می‌باشند بدیهی است که انتخاب دانش آموزان فقط زیر نظر مستقیم مرکز زون وزارت آموزش و پرورش و یا سالیهای پیش‌گفته کشور انجام می‌پذیرد. ۳- پس از طی دوره دوساله که برنامه تحصیلی آن با نظر کارشناسان وزارت آموزش و پرورش و دانشگاهها تهیه خواهد شد، به این عده مدرک تحصیلی داده می‌شود که موارد پیش‌بینی شده در این طرح ارزش آنرا مشخص می‌کند. ۴- چون با اجرای این طرح تعداد دانش آموزان شرکت کننده در مسابقه ورودی دانشگاهها کمتر از سابق خواهد شد از این رو قادر خواهیم بود مسابقه ورودی دانشگاهها را بین این دسته بروش کاملاً بسازند. ۵- مدارس میان دوره در بزرگی راز دوش دانشگاهها برمیگردانند زیرا بسیاری از ناتوانی دانشکده‌ها و دانشگاهها در پذیرش دانشجو بدین مناسبت است که معلم دانشگاهی برای دوره عمومی کمیاست و اکثر دانشگاههای جدید-الآن سیستم در این مورد مشکلات زیادی دارند. ۶- دانشجویانیکه به خارج از کشور اعزام می‌شوند چون مسابقه ورودی میان دوره را گذرانیده‌اند و پس از طی این دوره دوساله و موفقیت در امتحانات این دوره اعزام می‌شوند پس از ثبت نام در دانشگاه خارجی خود بخود آمادگی لازم را خواهند یافت و کمترین گذشتۀ فشار آموزشی عامل سرخوردگی و ترک تحصیل آنان می‌شود و با نتیجه بازده شاگردان اعزامی بالا می‌رود علاوه بر این چون از تحصیلات محکم تری برخوردار شده‌اند در همان ابتدای کار یاداناتی علمی برضف ناشی از عدم درک زبان خارجی فائق آمده و موفقیت قابل پیش‌بینی آنان در سال اول ورود به دانشگاه خارجی اعتماد بنفس خود را که در غربت از دست داده بودند بازیابی می‌کنند. ۷- دانشگاهها با روشهای مطمئن تر و مناسب تر با توجه برشته‌های خاص خود به انتخاب دانشجویان می‌پردازند و با نتیجه شاگردانی یکدمست که بازدهی بهتر دارند خواهند پذیرفت. ۸- در صورت اجرای مسابقه ورودی بروش مذکور

با توجه به لیست ذخیره‌ها هیچگاه صندوقهای موجود دانشگاهها خالی نخواهند ماند. ۷- تعدادی از این دانش آموزان که موفق به ادامه تحصیل در دانشگاه نشده‌اند می‌توانند جذب مؤسسات شوند که با صرف هزینه بسیار چنین دانش آموزان پرورش می‌دهند، از جمله این عده بخوبی قادرند نیاز وزارت آموزش و پرورش را بعنوان دبیرمدارس راهنمایی جوابگو باشند. ۸- چون برای دانش آموز مشخص است که در صورت عدم یادگیری در امتحان ورودی دانشگاهها می‌بایست پس بطور جدی در تمام دوره

نگرانیهای این طرح و چاره جویی‌های آن ۱- اگر قرار باشد که دانشگاهها کمبود مدرس در سطح دوره عمومی داشته باشد، چگونه وزارت آموزش و پرورش می‌تواند میزان دوبرابر این نیاز را برآورده سازد. ۲- اداره این مدارس چگونه باشد؟ در کنار کلاسهای دبیرستانیهای موجود باشد یا در کنار کلاسهای دانشگاهها و یا هیچکدام؟ و از چه ضابطه‌ای پیروی نماید؟ ۳- چه مدرکی به این دسته تعلق می‌گیرد؟ و چه ارزشی می‌تواند داشته باشد؟ ۴- آندسته که در ۱۷ سالگی پس از اخذ دیپلم متوسطه بظاهر و شاید عملاً فارغ التحصیل شده‌اند چگونه جذب بازار کار شوند؟ یا قوانین موجود که ۱۸ سالگی را حداقل سن استخدامی میدانند چه کنیم؟ دوره نظام وظیفه از چه سالی شروع شود؟ برای رفع این مشکلات واحتمالاً مشکلات دیگری که در حال حاضر قابل پیش‌بینی هستند باید با پیش‌بینی‌های هم‌جانبه و بررسیهای کافی اقدام نمود در اینصورت راه حل‌های منطقی زیر می‌توانند چاره جویی مفیدی باشند.

۱- این مدارس می‌باید زیر نظر وزارت آموزش و پرورش و یا وزارت فرهنگ و آموزش عالی و جدا از دبیرستانها یا دانشگاهها بنیاد یابند، اینکه اصرار است که حتماً "باز نظر وزارتخانه‌های باشد بخاطر آنستکه هیچ یک از دانشگاهها وابستگی نداشته باشند و دانش آموزان این مدارس تصور نمایند که دروازه دانشگاه را گشوده است. همانطور که قبلاً " اشاره شد باید امید و تلاشی را در این مدارس زنده نگه‌داشت و با ایجاد از دبیرستانها باشد تا دانش آموز دبیرستانی تصور نکند که این دوره‌ای پیوسته است. باید برای اکثریتی که اکنون پس از اخذ دیپلم دبیرستان موفق به ادامه تحصیل نمی‌شوند، پایان دوره‌های سه ساله مرتز تحصیلات دبیرستانی باشد.

۲- این مدارس در مراکز استان بوجود آیند مثلاً " در ساختن یکی از دبیرستانهای مناسب که فقط به این دوره دو ساله اختصاص خواهد یافت و اگر تا آنکه کیدی می‌شود که در مراکز استان بوجود آیند بیشتر بخاطر آنستکه امکان بهره‌مندی از دبیران دبیرستان و هم امکان استفاده از استادان علوم پایه دانشگاه باشد. ۳- برای تأمین مدرسان مدارس میان دوره‌ای مجموعاً ۴۰۰ نفر در سال اول و ۲۰۰ نفر در سالهای دوم و سوم و چهارم و بالاخره برحسب نیاز دولتی ۱۷ سالگی عامل بازدارنده نباشد.

به مایاری دهید

ادامه انتشار و توسعه فعالیت پیام جبهه ملی در گرو یاری کمک‌های بزرگ و کوچک نو هموطن گرامی است. دفتر روزنامه و حساب شماره ۳۱۱۴۲۵ بانک تجارت (ایران‌شهر) شعبه میدان انقلاب اول خیابان آزادی آماده دریافت کمک‌های نقدی است.

سخنرانی در حزب ایران

روز سه شنبه ساعت ۶/۵ بعد از ظهر دکتر فرهاد بهستانی تحت عنوان "اسلام دین زور نیست" در محل حزب ایران واقع در تقاطع توحید و آزادی سخنرانی میکند.

ما و خوانندگان

تهران - آقای حسین احمدی - نظرات شما را در مورد عدم کفایت مصاحبه جهت اعزام دانشجویان، به خارج با این استدلال که چون سطح تحصیلات دانشجویان کشور میزبان و دانشجویان خارجی یکسان است حذف آزمایش اعزام به خارج بقض غرض می‌باشد جهت بررسی اولیای امور گوشزد می‌کنیم. قائم شهر - آقای حسن درویش نیافتای سوادکوهی - سلام به روستازاده دلیر و آینده‌نگر وطن ما و تشکر از اینکه "درس عبرت" از پیام جبهه ملی گرفته‌ای. امیدواریم پیام جبهه ملی بتواند همواره راه‌آورد مردم آزاده این سرزمین بویژه نسل جوان باشد. نوشته‌اید "دوره کردن مدارس کار عاقلانه‌ای نیست چون باید بفکر تمام گروهها بود برای آن سرمایه‌دار فرقی ندارد که مدرسه دوساله باشد چون احتیاجی ندارد کار بکند. ... ما با درک همین احساس و ضرورت تعمق و نگرش صحیح در این مسئله دو روز قبل از وصول نامه شما یعنی در شماره ۳۷ روزنامه مستدلاً "دوره کردن مدارس را عملی غیراصولی دانستیم. موفقیت شما را خواستاریم. تهران - دانش آموزان مدرسه دکتر شریعتی - استقبال گرم شما از روزنامه پیام جبهه ملی که صدای حق طلبانه ملت ایران است منوق ما در ادامه خدمتگزاری است. موفقیت شما را آرزو می‌کنیم.

مجله علمی

یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه منتشر میگردد

مجلس

نشریه سیاسی

صاحب امتیاز: دکتر مهدی آذر
مدیر مسئول: اصغر پارسی
نشانی: خیابان کارگر (سمت راست) نزدیک میدان انقلاب
تلفن: ۹۲۱۲۰۰

کتمان حقوق، رسم انسانی نیست

تهدیدت زدن، آئین مسلمانی نیست
با مردم آزاده به ناحق مستیز
گان را ثمری به جز پشیمانی نیست
ادیب برومند

آیا تعبیر کلمات امام این...

بقیه از صفحه ۱
و برداشت‌های نابجا میکنند؟
آیا دستی در این میان
در کار نیست؟ تا افراد را که
در خط انقلاب بودند در به
ثمر رساندن این انقلاب دست
کوشیدند گروه‌گروه و دسته‌دسته
کرده و از صف انقلاب کناره‌بند؟
بحث در این نیست که
زن (همچنان که مرد) نباید
مانند عروسک باشد و ظاهر
آرایی کند و در اندازه و اماکن
رسمی نقش مهمان و بازیگر را
داشته باشد، مسئله، مسئله
نقی نوعی پوشش که به او
شخصیت و عظمت بدهد نیست،
بحث در این هان نیست زیرا که
لباس مناسب خود نوعی مبارزه
با عملکردهای استعماری است.
سخن در این است که چرا گفتار
امام بر نوعی دیگر تعبیر میشود
و چرا فقط زن داور بیانات
امام قرار میگیرد؟ و آنهم چگونه

پیش درآمد خفقان!

بقیه از صفحه ۱
اعلام و انجام شود غیر از جنبه‌های قابل احترام واحساس
و عواطف بی ثباتی گروه‌های از مردم در تعظیم به امام
خمینی و تجدید عهد و بیعت با معظم‌له حاوی منفی‌نیز بود
که نشانه‌های ورشکستگی سیاسی کارگردانان حزب حاکم وتلاش
مذبوحانه توطئه‌گران علیه جمهوری اسلامی ایران میتوانند
باشند و تظاهر زنده و مجسم آنرا در تحریر و تنظیم قطعنامه
۱۶ ماده این تظاهرات میتوان دید.
این قطعنامه که در این مسائل است که محتوای اصلی
زیرا از آن بوی تند و زنده تهدید آزادی‌های سیاسی مصرح
در قانون اساسی به مشام میرسد و حقوق مسلم و مورد احترام
انسانی در شکل فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در حدود
قانون و آزادی‌های تضمین شده در چهارچوب نظام جمهوری
اسلامی را جدا" بمخاطره میاندازد و بیاد آوریم همیشه در
طول تاریخ چنین برودادی مقدمه‌ای شوم بوده است برای
اجرای نقشه‌های ضد مردمی.

تنظیم کنندگان این قطعنامه که در باور ما بدون تردید
از عناصر توطئه‌گر علیه نظام جمهوری اسلامی هستند و
بدون شک از آنها که خصومتی دیرینه و غیرانسانی با مبارزان
نهضت ملی ایران دارند می باشند، در ماده ۱۶ تلویحا"
با ناسزا و تهنیت به جبهه ملی ایران نااخته‌اند و به تهدید
علنی و حمله و هجوم دست زده‌اند.
جا دارد که در این هنگامه طاغوت زدائی باخطر ضعیف و
حقیر خود بیاروند که ۲۵ سال تمام دستگاه تبلیغاتی طاغوت
و شخصی ملعون و مطرودش، افسانه انگلیسی بودن! نهضت
ملی ایران و عناصر پاکدامن و شریفش را تکرار کردند! ولی
ملت هوشمند ایران با درک درست و قضاوت شایسته خویش
دروغگوین و باوه سرابان را به تنگنای چنان رسوائی و بی
آبرویی کشانده دیدیم و دیدید! و همیشه چنین است و
چنین خواهد بود و بعد در دنبال این اتهامات خنده‌آور
بعضی از نشریات معلوم‌الحال و بی ارزش با هتک حرمت
از دکتر مصدق، کوشیدند به این نقشه رسوا، حالی و حکایتی
دهند. ولی توفیق اینها چیزی بیشتر از توفیق شاه‌مخلوع
و دستگاهش در برخورد با عظمت تاریخی نهضت ملی ایران
و رهبرگرانقدرش دکتر مصدق نخواهد بود که حقیقت‌ماندنی
است و این حکم تاریخ است و مایه تعجب است که آقایان
این بار تهمت آمریکائی بودن را فراموش کرده‌اند! ((هر
کسی از ظن خود شد یار من))
و جالب آنکه در بیان برداشت‌ها و تفسیرهای کوناگون
مردم شهر ما چنین شایع است که عوامل وابسته به انگلستان
که در این وابستگی قدمت و شهرتی دارند دست اندرکار
انتقامجویی از ملی‌کنندگان صنعت نفت هستند. "لهجده

نظام جمهوری اسلامی...

بقیه از صفحه ۱

اسلامی مصوب مجلس خبرگان
بودند عملا" اجازه ندادند
این قانون جنبه اجرائی پیدا
کند و زیر بنای قانونی نظام
جدید شود.

ذکر چند مورد از موارد
مهمی که قانون اساسی جدید
متوقف یا تعطیل و یا نقض
شده است نشان دهنده وضع
منزلزل و خطرناکی است که
نظام قانونی جمهوری اسلامی
با آن روبروست.
۱- امام‌کارشورای انقلاب

مانع تشکیل قوه مجریه و سبب
توقف قانون اساسی بود است.

در قانون اساسی اشارهای
به شورای انقلاب نشده و
وظیفه‌های برای آن پیش‌بینی
نکردیده و ادامه کار آن حتی
بطور موقت در نظر گرفته نشده است
شورای انقلاب که بجای
مجلس شورای ملی بکار قانون
گذاری می‌پردازد و بجای
نخست‌وزیر در مسائل اجرائی
مداخله میکند و حدود اختیارات
و وظایف آن نامعلوم و بلکه
نامحدود است پس از تصویب
اجرائی قانون اساسی بهمان
ترتیب سابق بکار خود ادامه
داده است و تا این تاریخ حتی
مانع شده که نخست‌وزیر کشور
بر طبق قانون اساسی تعیین
و هیئت دولت تشکیل شود
واقعی و راهمائی‌های مبتنی
بر روشهای اسلامی تان؟ کواثر
آن رهنمودهایی که پیامبر و
امامان بر شما ارائه دادند؟
کسو آن پیشین که تکلیف
شرعیتان را بدانید و اسلام
را براساسی بشناسید و ابلاغ
کنید؟ و کلام آخر اینکه آیا
این روش اسلامی است که زن
زحمتکش و زن زجر کشیده در
مسیر انقلاب دستخوش قدرت
باشد؟

کدام مکتب و کدام روش
انسانی این را توصیه میکند؟
ما که متحیریم!

جمهوری اسلامی که قدرت
تصمیم‌گیری شورای انقلاب را
در دست دارند و جو هیجان
و تقاضا را از طریق روزنامه‌ها
و رادیو و تلویزیون و سایر
نهادها در بین قشرهای مردم
ترویج و افزایش میدهند عملا"
مانع ایجاد و استقرار دستگاه
اجرائی جدید کشور از طریق
اجرائی قسمتی از قانون اساسی مربوط
به انتخابات نخست‌وزیر شده‌اند
مسئولان عمده حزب
جمهوری اسلامی و شورای
انقلاب که در هفده ماه بعد از
انقلاب در برابر بسیاری از
اعتراضات اصولی و ایرادهای
عناصر آگاه و متعهد مسئول
به لزوم سرعت در ایجاد و
استقرار نظام قانونی جدید
متوسل میشدند و خیلی از
ایرادها و اعتراضات و حتی
اعمال خلاف برای وصول
این منظور قابل‌توجه‌گذاشت
میدانستند، اکنون با گذشت
هفته‌ها و ماهها بدون آنکه
خود را موظف به بیان دلیلی

علی‌الرأوی"
..... در جملات دیگری از ماده ۱۶ کوشیده‌اند که
با استفاده از احساسات خالص و محترم خلق در احترام به
روحانیت اصیل و مترقی سوه استفاده کنند که گویا جبهه ملی
ایران و باران و بیرون راه و رسم دکتر مصدق را با روحانیت
تفاهمی نیست، دروغی آشکار و تحریکی دور از مردمی و
شرف انسانی همه نوشته‌ها وهمه گفته‌ها، راه و رسم مردان
مذهبی و پیشوایان متعهد مسئول و ملت‌گرای آن موجود و
مصیوب است.

و جای کمترین تردید و توهمی را برای هیج صاحب
نظری باقی نمیگذارد. دو اگر سازمان سیاسی ما در برخورد با
مسائل تاریخی و قضاوت‌های اجتماعی میزان و ضابطه را ملت
و منافع او قرار میدهد که جوهر حقیقت اسلام راستین نیز
چیزی جدا از آن نمیتواند باشد و اگر نشریات جبهه ملی با
ارائه شواهد و مدارک تاریخی همراه از روحانیت اصیل و
مقام واجب‌الانتظام است و تجلیل می‌نماید و اگر در
این رهگذر به پیروی از امام که فرموده‌اند ((من خوف آنرا
دارم که عده‌ای از معصومین ...)) چنین بیاندیشند همه
اینها مراتب اخلاص و صدق و صفای این جبهه است به این
مقوله، فقط آنها که نقشه دارند و توطئه کرده‌اند نمیخواهند
این حقایق محسوس و دلائل ملموس را درک نمایند

"مدعی گر کند فهم سخن گو سر و خشت"
..... و اما در استنباط مانقشه‌ای برای برقراری یک
نظام خفقان و وحشت در شرف تکوین و اجرا است و پیش

مراجع و افراد دیگری با
عناوین متفاوت و حتی بدون
عنوان افزایش چشم‌گیری
داشته است و جان و مال و
حیثیت و همه زندگی مردم
بدون هیچ قید و بندی
بطور مطلق در اختیار این
افراد و مراجع که خارج از
قوه قضائیه و دادگستری هستند
قرار دارد.

ما قبلا" در مقالات
متعددی وضع این دادگاهها
را تشریح کرده‌ایم. افرادی
که بعنوان قاضی و یا مامور
یا بهر عنوان دیگری در این
دادگاهها کار میکنند صلاحیت
و قدرت وضع قوانین ومقررات
و آئین دادرس و نحوه
رسیدگی و طرز اجرا و زمان
اجراء و اعتبار و ارزش حکم
و نحوه و زمان تغییر آراء
صادر را یکجا و بطور کامل
و درست در اختیار دارند.

آنچه را که در قانون
اساسی جمهوری اسلامی
ایران در طی مواد و فصول
و اصول متعدد تدوین گردیده
و بصورت قوه مقننه و قضائیه
و اجرائیه تقسیم بندی و از
هم جدا شده است همه با
هم در اختیار یک نفر قرار
دارد متهمی که در برابرین
مراجع قرار میگردد، قاضی
به تشخیص خود هر جرمی
میخواهد برای او در نظر
میگیرد، هر مجازاتی را
مقتضی بداند برای آن جرم
قائل میشود، بهر نحولازم
بدان رسیدگی میکند و بهر
ترتیبی صحیح بداند حکم
صادر مینماید و زمان اجراء
و طرز اجراء نیز بر طبق نظر
او تعیین و اعمال میشود.
کار بجائی رسیده است

که حجت الاسلام شیخ صادق
خلخالی تعطیلات آخسر
هفته خود را در مراکز استانها
سپری مینماید و در هر سفر
که حدود ۲۴ ساعت بطول
میانجامد بیش از ده نفر را
به جوخه اعدام میسپارد.
چه بسا تمام یا بعضی
از این افراد در واقع مستحق
چنین مجازاتی باشند. ما
هیچگونه اطلاع و قضاوتی
در این امر نداریم. ولی
آنچه از اخبار مندرج در
روزنامه‌ها برمیآید معلوم
میشود مدت زمانی که برای
اجرائیه و طرز اجرا و
رسیدگی به سوابق کار و
بررسی اتهام و اخذ توضحات
و مدارک حدود بیست متهم
بلا مانع است.

آیا اصل ۱۶۶ که مقرر
میدارد "حاکمات علنی
انجام میشود و حضور افراد
بلا مانع است."
آیا اصل ۱۶۶ که مقرر
میدارد "احکام دادگاهها
باید مستدل و مستند به مواد
قانون و اصولی باشد که بر
اساس آن حکم صادر شده
است" همگی در دادگاه
شده است.
آیا این اصول در
دادگاههایی که در روزهای
آخر هفته یعنی در روزهای
تعطیل و یا ساعت غیراداری
۱۴ نفر در شرف حکم آیت-
الله خلخالی مقابل جوخه
اعدام ایستادند و تیرباران
شدند آیت‌الله خلخالی
در مورد پرونده‌های افراد
محاکمه شده گفت: "باتماس
تلفنی از دادستان انقلاب

در آمد آن وجود مطالبی در قطعنامه یاد شده میتواند باشد
که با بستن دهانها و شکستن قلم‌ها و تعطیل مراکز احزاب
و جمعیت‌های قانونی که در کادر نظامات و مقررات جمهوری
اسلامی فعالیت می‌کنند مضامین نوار کذائی تحقق خارجی
پیدا کند.

..... تا آنجا که بجبهه ملی ایران و رهبران آن
مربوط است کارنامه آن در دوران سیاه اختناق شاهنشاهی و
در روزگار انقلاب موجود است همه جا دفاع از اصول و
حقایق همیشه در کنار انقلاب و بنگران و علاقه‌مند به پیروزی
کامل و همه جانبه آن و علی‌رغم اتهامات باوه‌گویان بری از
هر گونه شائبه ولی همواره انتقاد کننده اصولی با ارائه راه
حلیها و پیشنهادهای سازنده.

و محض اطلاع آقایان به عرض میرسد که اگر توطئه‌های
برای تهدید آزادی‌ها و تحدید فعالیت‌های قانونی جبهه
ملی تدارک دیده‌اند بدانند که افراد جبهه ملی ایران اولین
بار نیست که ممکن است با فشار و تضییقات این چنین روبرو
شوند و در طول بیش از یک ربع قرن مبارزه در این زمینه
تجربیات کافی اندوخته اند و از آن گذشته در راه هدفهای
والای دفاع از منافع ملت و در طریق پیروزی انقلاب و برقراری
عدالت اجتماعی و حاکمیت ملی در چهارچوب محتوای مترقی
مقررات اسلامی و بالاخره در نهایت امر ادای دین بتاریخ
این مزرع بوم:

"سرو جان را نتوان گفت که مقداری هست"
ولی مدعی- هشدار! که پایان این راه پرتگاه سقوط و
بدنامی است.

که وقت رسیدگی از قبل
تعیین نمیشود و با ورود قاضی
به محوطه زندان بلافاصله
تشکیل و کار را تمام میکند
دقیقا اجرا میگردد.

آیا چند دقیقه زمان
برای رسیدگی و صدور حکم
و اجرای حکم کافی برای
رعایت و اعمال اصول قانون
اساسی و تحقق بخشیدن
به عدالت به نحو مقرر در
اصل ۱۵۶ قانون اساسی
جمهوری اسلامی میباشد،
قانون اساسی جمهوری اسلامی
که از طرف مجتهدان اسلامی
دین در مجلس خبرگان تدوین
شده و سپس به تایید امام-
خمینی رهبر انقلاب اسلامی
رسیده و سایر مراجع عالیقدر
نیز آنرا تایید کرده‌اند و در
یک هم‌پرسی تمام به تصویب
ملت رسانده شده است.

موضوع این نیست که
چنین ترتیبات و اقدامات
و روشهایی بعلمت مغایرت
با قانون اساسی جمهوری-
اسلامی غیر قابل قبول و
ناصحیح باشد. اگر قانون-
اساسی هم وجود نداشت یک
جامعه مترقی و یک ملت آگاه
نمی‌بایست اجازه حکومت به
چنین ترتیبات غیر اخلاقی
و غیر انسانی بدهد.

موضوع اساسی این
است که صرف نظر از ماهیت
و طبیعت این اقدامات و
روشها چرا بعد از تصویب
مقررات قانون اساسی و قدرت
اجرائی یافتن آن وجود
بنیادها و موسسات و اقدامات
و اعمال خلاف مقررات قانون
اساسی ادامه یافته است.

موضوع اساسی این
است که صرف نظر از ماهیت
و طبیعت این اقدامات و
روشها چرا بعد از تصویب
مقررات قانون اساسی و قدرت
اجرائی یافتن آن وجود
بنیادها و موسسات و اقدامات
و اعمال خلاف مقررات قانون
اساسی ادامه یافته است.

اینست که هیچ شخص، هیچ
مرجع، هیچ مقام و هیچ
سازمانی وجود ندارد که جلوی
کارهای خلاف قانون اساسی
را بگیرد.

یکی دیگر از موارد
بارز و مهم نقض قانون
اساسی در مورد حقوق افراد
زیر پا گذاشتن اصل سی و
نهم قانون اساسی است.
بموجب اصل "هتک
حرمت و حیثیت کسی که
بازداشت شده بصورت که باشد
منوع و موجب مجازات
است.

ماهر روز شاهده‌مورد
متعدد از نقض مقررات این
ماده حتی در مورد اشخاصی
هستیم که بازداشت‌وزندانی
یا تبعید هم نشده‌اند،
این روزها هتک حرمت و
حیثیت اشخاص بصورت
روشن عادی و جاری صاحبان
قدرت و مسئولان امور مملکتی
گردیده است.

مغایر اصول قانون اساسی
بهبیوجهه موارد یاد شده
محدود نمیشود. اگر
بخواهیم مقررات و اصول
قانون اساسی را با روشهای
حکومتی و اقدامات معموله
در قلمرو قوای مجریه و
قضائیه مقننه و سایر قلمروها
تطبيق دهیم این کار نادر
یک مقاله بلکه در صد مقاله
هم نخواهد گنجید. بهتر
آنست بجای بررسی موارد
تضاد روشها و اقدامات با
قانون اساسی به بررسی
مواردیکه بر طبق قانون-
اساسی اقدام و عمل شده
است بپردازیم تا اگر چیزی
افتیم بجای یک مقاله
لااقل بتوانیم چند سطر
بنگاریم و کار آسانتر کنیم.
همین مقاله که بعضی
موارد اساسی تخلف‌رانشان
میدهد روشن میسازد که
قانون اساسی جمهوری-
اسلامی تاکنون جنبه عملی
پیدا نکرده است و مسئولان
حزب جمهوری اسلامی
منتقان آنان که بیشترین
مراکز قدرت موجود کشور را
در دست دارند علاقه‌ای
باجرای این قانون ندارند
و خواب و خیال دیگری در
سر می‌پروراند و همین‌ام
نظام جمهوری اسلامی ایران
بوده است بخطر انداخته
است. ... خطر نابودی...

مغایر اصول قانون اساسی
بهبیوجهه موارد یاد شده
محدود نمیشود. اگر
بخواهیم مقررات و اصول
قانون اساسی را با روشهای
حکومتی و اقدامات معموله
در قلمرو قوای مجریه و
قضائیه مقننه و سایر قلمروها
تطبيق دهیم این کار نادر
یک مقاله بلکه در صد مقاله
هم نخواهد گنجید. بهتر
آنست بجای بررسی موارد
تضاد روشها و اقدامات با
قانون اساسی به بررسی
مواردیکه بر طبق قانون-
اساسی اقدام و عمل شده
است بپردازیم تا اگر چیزی
افتیم بجای یک مقاله
لااقل بتوانیم چند سطر
بنگاریم و کار آسانتر کنیم.
همین مقاله که بعضی
موارد اساسی تخلف‌رانشان
میدهد روشن میسازد که
قانون اساسی جمهوری-
اسلامی تاکنون جنبه عملی
پیدا نکرده است و مسئولان
حزب جمهوری اسلامی
منتقان آنان که بیشترین
مراکز قدرت موجود کشور را
در دست دارند علاقه‌ای
باجرای این قانون ندارند
و خواب و خیال دیگری در
سر می‌پروراند و همین‌ام
نظام جمهوری اسلامی ایران
بوده است بخطر انداخته
است. ... خطر نابودی...

مغایر اصول قانون اساسی
بهبیوجهه موارد یاد شده
محدود نمیشود. اگر
بخواهیم مقررات و اصول
قانون اساسی را با روشهای
حکومتی و اقدامات معموله
در قلمرو قوای مجریه و
قضائیه مقننه و سایر قلمروها
تطبيق دهیم این کار نادر
یک مقاله بلکه در صد مقاله
هم نخواهد گنجید. بهتر
آنست بجای بررسی موارد
تضاد روشها و اقدامات با
قانون اساسی به بررسی
مواردیکه بر طبق قانون-
اساسی اقدام و عمل شده
است بپردازیم تا اگر چیزی
افتیم بجای یک مقاله
لااقل بتوانیم چند سطر
بنگاریم و کار آسانتر کنیم.
همین مقاله که بعضی
موارد اساسی تخلف‌رانشان
میدهد روشن میسازد که
قانون اساسی جمهوری-
اسلامی تاکنون جنبه عملی
پیدا نکرده است و مسئولان
حزب جمهوری اسلامی
منتقان آنان که بیشترین
مراکز قدرت موجود کشور را
در دست دارند علاقه‌ای
باجرای این قانون ندارند
و خواب و خیال دیگری در
سر می‌پروراند و همین‌ام
نظام جمهوری اسلامی ایران
بوده است بخطر انداخته
است. ... خطر نابودی...

مغایر اصول قانون اساسی
بهبیوجهه موارد یاد شده
محدود نمیشود. اگر
بخواهیم مقررات و اصول
قانون اساسی را با روشهای
حکومتی و اقدامات معموله
در قلمرو قوای مجریه و
قضائیه مقننه و سایر قلمروها
تطبيق دهیم این کار نادر
یک مقاله بلکه در صد مقاله
هم نخواهد گنجید. بهتر
آنست بجای بررسی موارد
تضاد روشها و اقدامات با
قانون اساسی به بررسی
مواردیکه بر طبق قانون-
اساسی اقدام و عمل شده
است بپردازیم تا اگر چیزی
افتیم بجای یک مقاله
لااقل بتوانیم چند سطر
بنگاریم و کار آسانتر کنیم.
همین مقاله که بعضی
موارد اساسی تخلف‌رانشان
میدهد روشن میسازد که
قانون اساسی جمهوری-
اسلامی تاکنون جنبه عملی
پیدا نکرده است و مسئولان
حزب جمهوری اسلامی
منتقان آنان که بیشترین
مراکز قدرت موجود کشور را
در دست دارند علاقه‌ای
باجرای این قانون ندارند
و خواب و خیال دیگری در
سر می‌پروراند و همین‌ام
نظام جمهوری اسلامی ایران
بوده است بخطر انداخته
است. ... خطر نابودی...

مغایر اصول قانون اساسی
بهبیوجهه موارد یاد شده
محدود نمیشود. اگر
بخواهیم مقررات و اصول
قانون اساسی را با روشهای
حکومتی و اقدامات معموله
در قلمرو قوای مجریه و
قضائیه مقننه و سایر قلمروها
تطبيق دهیم این کار نادر
یک مقاله بلکه در صد مقاله
هم نخواهد گنجید. بهتر
آنست بجای بررسی موارد
تضاد روشها و اقدامات با
قانون اساسی به بررسی
مواردیکه بر طبق قانون-
اساسی اقدام و عمل شده
است بپردازیم تا اگر چیزی
افتیم بجای یک مقاله
لااقل بتوانیم چند سطر
بنگاریم و کار آسانتر کنیم.
همین مقاله که بعضی
موارد اساسی تخلف‌رانشان
میدهد روشن میسازد که
قانون اساسی جمهوری-
اسلامی تاکنون جنبه عملی
پیدا نکرده است و مسئولان
حزب جمهوری اسلامی
منتقان آنان که بیشترین
مراکز قدرت موجود کشور را
در دست دارند علاقه‌ای
باجرای این قانون ندارند
و خواب و خیال دیگری در
سر می‌پروراند و همین‌ام
نظام جمهوری اسلامی ایران
بوده است بخطر انداخته
است. ... خطر نابودی...

مغایر اصول قانون اساسی
بهبیوجهه موارد یاد شده
محدود نمیشود. اگر
بخواهیم مقررات و اصول
قانون اساسی را با روشهای
حکومتی و اقدامات معموله
در قلمرو قوای مجریه و
قضائیه مقننه و سایر قلمروها
تطبيق دهیم این کار نادر
یک مقاله بلکه در صد مقاله
هم نخواهد گنجید. بهتر
آنست بجای بررسی موارد
تضاد روشها و اقدامات با
قانون اساسی به بررسی
مواردیکه بر طبق قانون-
اساسی اقدام و عمل شده
است بپردازیم تا اگر چیزی
افتیم بجای یک مقاله
لااقل بتوانیم چند سطر
بنگاریم و کار آسانتر کنیم.
همین مقاله که بعضی
موارد اساسی تخلف‌رانشان
میدهد روشن میسازد که
قانون اساسی جمهوری-
اسلامی تاکنون جنبه عملی
پیدا نکرده است و مسئولان
حزب جمهوری اسلامی
منتقان آنان که بیشترین
مراکز قدرت موجود کشور را
در دست دارند علاقه‌ای
باجرای این قانون ندارند
و خواب و خیال دیگری در
سر می‌پروراند و همین‌ام
نظام جمهوری اسلامی ایران
بوده است بخطر انداخته
است. ... خطر نابودی...

مغایر اصول قانون اساسی
بهبیوجهه موارد یاد شده
محدود نمیشود. اگر
بخواهیم مقررات و اصول
قانون اساسی را با روشهای
حکومتی و اقدامات معموله
در قلمرو قوای مجریه و
قضائیه مقننه و سایر قلمروها
تطبيق دهیم این کار نادر
یک مقاله بلکه در صد مقاله
هم نخواهد گنجید. بهتر
آنست بجای بررسی موارد
تضاد روشها و اقدامات با
قانون اساسی به بررسی
مواردیکه بر طبق قانون-
اساسی اقدام و عمل شده
است بپردازیم تا اگر چیزی
افتیم بجای یک مقاله
لااقل بتوانیم چند سطر
بنگاریم و کار آسانتر کنیم.
همین مقاله که بعضی
موارد اساسی تخلف‌رانشان
میدهد روشن میسازد که
قانون اساسی جمهوری-
اسلامی تاکنون جنبه عملی
پیدا نکرده است و مسئولان
حزب جمهوری اسلامی
منتقان آنان که بیشترین
مراکز قدرت موجود کشور را
در دست دارند علاقه‌ای
باجرای این قانون ندارند
و خواب و خیال دیگری در
سر می‌پروراند و همین‌ام
نظام جمهوری اسلامی ایران
بوده است بخطر انداخته
است. ... خطر نابودی...

مغایر اصول قانون اساسی
بهبیوجهه موارد یاد شده
محدود نمیشود. اگر
بخواهیم مقررات و اصول
قانون اساسی را با روشهای
حکومتی و اقدامات معموله
در قلمرو قوای مجریه و
قضائیه مقننه و سایر قلمروها
تطبيق دهیم این کار نادر
یک مقاله بلکه در صد مقاله
هم نخواهد گنجید. بهتر
آنست بجای بررسی موارد
تضاد روشها و اقدامات با
قانون اساسی به بررسی
مواردیکه بر طبق قانون-
اساسی اقدام و عمل شده
است بپردازیم تا اگر چیزی
افتیم بجای یک مقاله
لااقل بتوانیم چند سطر
بنگاریم و کار آسانتر کنیم.
همین مقاله که بعضی
موارد اساسی تخلف‌رانشان
میدهد روشن میسازد که
قانون اساسی جمهوری-
اسلامی تاکنون جنبه عملی
پیدا نکرده است و مسئولان
حزب جمهوری اسلامی
منتقان آنان که بیشترین
مراکز قدرت موجود کشور را
در دست دارند علاقه‌ای
باجرای این قانون ندارند
و خواب و خیال دیگری در
سر می‌پروراند و همین‌ام
نظام جمهوری اسلامی ایران
بوده است بخطر انداخته
است. ... خطر نابودی...

مغایر اصول قانون اساسی
بهبیوجهه موارد یاد شده
محدود نمیشود. اگر
بخواهیم مقررات و اصول
قانون اساسی را با روشهای
حکومتی و اقدامات معموله
در قلمرو قوای مجریه و
قضائیه مقننه و سایر قلمروها
تطبيق دهیم این کار نادر
یک مقاله بلکه در صد مقاله
هم نخواهد گنجید. بهتر
آنست بجای بررسی موارد
تضاد روشها و اقدامات با
قانون اساسی به بررسی
مواردیکه بر طبق قانون-
اساسی اقدام و عمل شده
است بپردازیم تا اگر چیزی
افتیم بجای یک مقاله
لااقل بتوانیم چند سطر
بنگاریم و کار آسانتر کنیم.
همین مقاله که بعضی
موارد اساسی تخلف‌رانشان
میدهد روشن میسازد که
قانون اساسی جمهوری-
اسلامی تاکنون جنبه عملی
پیدا نکرده است و مسئولان
حزب جمهوری اسلامی
منتقان آنان که بیشترین
مراکز قدرت موجود کشور را
در دست دارند علاقه‌ای
باجرای این قانون ندارند
و خواب و خیال دیگری در
سر می‌پروراند و همین‌ام
نظام جمهوری اسلامی ایران
بوده است بخطر انداخته
است. ... خطر نابودی...